



قانون تازه مجلس؛ گامی حیاتی برای اقتصادفوتبال

پخش پولساز

روز یکشنبه برای فوتبال ایران متفاوت بود. در صحن علنی مجلس، ماده‌ای از لایحه «نظام جامع باشگاه‌داری» به تصویب رسید که در صورت اجرا می‌تواند نقشه مالی باشگاه‌های کشور را دگرگون کند.طبق این مصوبه،باشگاه‌ها مالک تمام حقوق تجاری ناشی از رویدادها و مسابقات خود شناخته شدند؛ از جمله حق پخش تلویزیونی، رادیویی و اینترنتی، همچنین بهره‌برداری از برند و تبلیغات جانبی. این تغییر به ظاهر ساده، سال‌ها رویای مدیران باشگاه‌ها بوده است. پیش از این، صدواوسیمامتولی اصلی پخش تلویزیونی فوتبال محسوب می‌شد و با آنکا به این انحصار، درآمدهای هنگفتی از تبلیغات به دست می‌آورد اما حالا، بر اساس قانون تازه، دولت مکلف شده با تخصیص بودجه‌ای مشخص، هزینه حق پخش را به باشگاه‌ها بپردازد. یعنی سازمان برنامۀ و بودجه نقش پرداخت‌کننده خواهد داشت و صدواوسیمافرا محوری و همکار در تولید و پخش خواهد بود. واکنش‌ها به این تحول سریع و متنوع بود. باشگاه پرسپولیس در بیانیه‌ای رسمی ضمن استقبال محتاطانه، پرسش مهمی را مطرح کرد: «با پرداختن سازوکار پرداخت، خود باشگاه‌ها و فوتبال نیز بخشی خواهند داشت یا تصمیم‌گیری به طور کامل در اختیار نهادهای دولتی باقی می‌ماند؟» این پرسش نشان می‌دهد هنوز ابهامات زیادی باقی است و مسیر تا تحقق عملی این وعده طولانی خواهد بود. برای درک اهمیت موضوع کافی است نگاهی به اماره‌ای جهانی بیندازیم. لیگ برتر انگلیس سالانه میلیاردها پوند از فروش حق پخش داخلی و خارجی به دست می‌آورد. تنها قرارداد پخش داخلی در یک فصل رقمی نزدیک به ۱۶ میلیارد پوند است؛ عددی که تقریباً معادل درآمد خارجی نیز هست. در نتیجه، بین ۴۵ تا ۵۵ درصد کل درآمد باشگاه‌های انگلیسی از محل حق پخش تأمین می‌شود. تفاوت میان تیم‌های بزرگ و کوچک در همین حوزه آشکار می‌شود. باشگاه‌های نظیر منچسترنیونایتد و لیورپول به دلیل درآمد تجاری بالا، سهم کمتری از وابستگی به حق پخش دارند (حدود ۴۰ درصد). در مقابل، تیم‌های متوسط و کوچک مثل برنتفورد یا برنلی گاهی تا ۷۰ درصد بودجه‌شان از محل حق پخش تأمین می‌شود. در اسپانیا نیز نسبت مشابهی برقرار است، هر چند بارسلونا و رئال مادرید به خاطر اسپانسرینگ و قراردادهای تجاری بزرگ، سهم کمتری از این منبع دارند. حال اگر این مقایسه را به فوتبال ایران تعمیم دهیم، شکاف عظیمی آشکار می‌شود.باشگاه‌های ایرانی تقریباً هیچ درآمد پایداری از حق پخش نداشته‌اند. سال‌هاست رسانه ملی با این استدلال که بازی‌های زنده فرصت تبلیغاتی به اسپانسرهای پیراهن یا تابلوهای دور زمین می‌دهد؛از تقسیم درآمد باشگاه‌ها خودداری کرده است. در نتیجه، اکثر تیم‌ها وابسته به کمک‌های دولتی یا اسپانسرهای مقطعی ماننداند و بارها در گرداب بدهی و مشکلات مالی گرفتار شده‌اند.

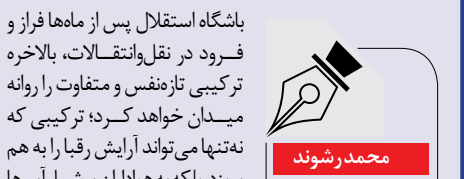
درودجه سال ۱۴۰۴ رقمی حدود ۵۰۰ میلیارد تومان

برای حق پخش در نظر گرفته شد اما این عدد، هم در مقایسه با درآمد واقعی صدواوسیماز فوتبال (نزدیک به ۵ هزار میلیارد تومان) ناچیز است و هم تاکنون به حساب باشگاه‌ها واریز نشده.مبین فاضله بزرگ میان درآمد واقعی و سهم پرداختی، نشانه‌ای از مسیر دشواری است که برای اجرای مصوبه تازه در پیش خواهد بود. با وجود همه ابهامات، این تصمیم مجلس یک نقطه عطف محسوب می‌شود. برای نخستین بار قانون گذار به صراحت باشگاه‌ها را مالک حقوق تجاری خود معرفی کرده و نقش صدواوسیمارا از «مالک» به «بخش‌کننده» تقلیل داده است. حالا دیگر این سازمان نمی‌تواند درآمد فوتبال را انحصاراً به حساب خود واریز کند. البته تدوین آیین‌نامه اجرایی توسط وزارت ورزش و وزارت ارشاد و صدواوسیمابر محله‌ای حساس خواهد بود. هرچه این آیین‌نامه شفاف‌تر و عادلانه‌تر نوشته شود، اعتماد باشگاه‌ها بیشتر جلب می‌شود. باید توجه داشت اجرای موفق این قانون، تنها راه برون‌رفت از بحران مالی باشگاه‌ها نیست اما می‌تواند منبع درآمدی پایدار و مطمئن فراهم کند. همین بدهی‌های انباشته را پوشش دهد در غیر این صورت، خطر دست دادن مجوز حرفه‌ای برای حضور در لیگ نخبان و قهرمانان آسیا همچنان پابرجاست. اینکه آیا مصوبه جدید به سرعت اجرا خواهد شد یا در پیچ‌وخم‌های بروکراسی گرفتار می‌شود، پرسشی است که زمان پاسخ آن را خواهد داد اما آنچه روشن است، نگاه تازه‌ای است که مجلس به اقتصاد ورزش ناخته؛ نگاهی که اگر عملی شود، شاید سراغ فصل جدیدی در فوتبال ایران باشد.

دریچه

چرا مذاکرات پرسپولیس به بن‌بست می‌رسد؟

هواداران پرسپولیس این روزها می‌پرسند: چرا برخلاف استقلال، هر بازیکن خارجی‌ای که نامش کنار پرسپولیس مطرح می‌شود در نهایت به ایران نمی‌آید پرسپولیس به‌شدت نیاز به یک مهاجم و یک مدافع چپ دارد. در هفته‌های اخیر چند بازیکن خارجی به پیشنهاد کادر فنی (وحید هاشمیان) به باشگاه معرفی شدند. یکی از این بازیکنان مانتیا دسلیوی مدافع سابق یونوتوس بود که توجه پرسپولیس‌ها را جلب کرده بود. ابتدا قرار بود دسلیوی توسط ایچنتی که قبلاً با مدافعان پرسپولیس همکاری داشت به باشگاه لینک شود اما پرسپولیس سعی کرد از طریق ایچنت دیگری بااو مذاکره کند. همین تغییر مسیر باعث شد قیمت پیشنهادی بازیکن ناگهان ۱۵ میلیون دلار به ۲ میلیون دلار افزایش یابد. در نهایت مذاکرات بی‌نتیجه ماند و دسلیوی به دلیل مسائل خانوادگی و عدم تمایل برای زندگی در ایران پیشنهاد پرسپولیس را رد کرد. تغییر ایچنت‌ها و دور زدن کار گزار اولیه یکی از مشکلات همیشگی پرسپولیس در نقل‌وانتقالات خارجی شده است. در مقابل، استقلال نشان داده اگر پول مناسبی پرداخت شود و مذاکرات از مسیر درست و با همان ایچنت اصلی پیش برود، خریدها سریع‌تر به نتیجه می‌رسد. نمونه‌ای جذب بازیکنانی مثل یاسر آسانی، داکتر نازون، موسی جنبو و وزیر حدادی است که بدون بهانه آوردن نتیجه، مشکل اصلی پرسپولیس نه فقط شرایط منطقه و نه لزوماً مسائل خانوادگی بازیکنان، بلکه مدیریت اشتباه در روند مذاکره و تغییر ایچنت‌هاست که باعث می‌شود خریدهای مهم یکی پس از دیگری منتفی شوند.



باشگاه استقلال پس از ماه‌ها فراز و فرود در نقل‌وانتقالات، بالاخره ترکیبی تازه ونفس و متفاوت را روانه میدان خواهد کرد؛ ترکیبی که نه‌تنها می‌تواند آرایش رقبا را به هم بریزد، بلکه به هواداران پرشمار آبی‌ها نوید روزهایی پرهیجان در لیگ ایران و آوردگاه آسیایی را می‌دهد. اگر چه آغاز لیگ بیست‌وپنجم برای استقلال با انتقادهایی درباره عدم جذب بازیکنان مدنظر کادر فنی همراه بود اما حالا ورق برگشته است؛ مردان سایپونتو با چهره‌های بین‌المللی و تجربه‌های متنوع از فوتبال اروپا، آفریقا و آسیا آماده‌اند به کلبوسی برای هر تیمی تبدیل شوند.

سنگر آخر؛ جایی برای اطمینان

پست دروازه‌بان همیشه سنگ بنای هر تیم قدرتمند است. در استقلال جدید، این سنگر به دست آنتونیو آدان، گلری که سابقه ایستادن در چارچوب تیم‌های معتبر اسپانیایی، ایتالیایی و پرتغالی را دارد، سپرده شده است. حضور او نه‌تنها آرامش خاطر را برای مدافعان به ارمغان می‌آورد، بلکه انگیزه مهاجمان حریف را نیز کاهش می‌دهد. تجربه بالای او در شرایط پر فشار، بویژه در مسابقات حساس سطح ۲ لیگ نخبان آسیا یا همان لیگ قهرمانان یک سرمایه بزرگ استقلال محسوب می‌شود.

دیوار آبی؛ ترکیبی از تجربه و توان خط دفاع استقلال با ترکیبی از قدرت بدنی، هوش و انعطاف شکل گرفته است. عارف آقایی به عنوان ستون میانی، وظیفه رهبری این خط را برعهده دارد. در کنار او نام رستم اشورمافت به چشم

هفته سوم لیگ برتر فوتبال ایران قرار است با یک دیدار پر کشش میان استقلال خوزستان و استقلال تهران رنگ و بویی خاص به خود بگیرد اما پرش اساسی این روزها نه درباره کیفیت ۲ تیم یا شرایط فنی آنها، بلکه خوزستانی و حتی شرکت بهربردار ورزشگاه فولاد آرنا را به میان کشانده و به سوزۀ داغ رسانه‌ها بدل شده است.

استقلال خوزستان که در آغاز فصل با وجود مشکلات مالی و کسر امتیاز به دلیل مسائل حرفه‌ای نتایج قابل قبولی گرفته، به دلیل آماده نبودن ورزشگاه اصلی خود (غدير اهوژ) ناچار است بازی‌های خانگی نیم‌فصل نخست را در پایتخت برگزار کند. این وضعیت برای تیمی که هواداران پرشور محلی دارد چندان خوشایند نیست، چراکه محروم شدن از حضور تماشاگران بومی عملاً بخشی از سرمایه روانی تیم را از بین می‌برد.

به همین دلیل، مدیران استقلال خوزستان تصمیم گرفتند راه‌حلی پیدا کنند. آنها از باشگاه فولاد خواستند فولاد آرنا را برای میزبانی از استقلال تهران در اختیارشان بگذارد. این درخواست به‌طور رسمی ثبت و ارسال شد و پاسخ باشگاه فولاد هم مثبت بود، البته با شرط و شروط.

شرط اصلی فولاد‌ها به بازی هفته نهم مربوط می‌شود؛ جایی

استقلال با ستاره‌های تازه، مدعی جدی آسیا

آبی‌های هراس‌انگیز

اروپا، تجربه‌ای ارزشمند و ذهنی خلاق به ترکیب آبی‌ها می‌آورد. نازون نیز مهاجمی است که در موقعیت‌های حساس، توانایی تمام‌کنندگی بالایی دارد. زوج این ۲ مهاجم می‌تواند خط دفاع هر تیمی را دچار اضطراب کند و استقلال را به تیمی با قدرت گلزنی بالا بدل نماید.

قانون بازیکنان خارجی و چیدمان هوشمندانه

یکی از دغدغه‌های کادر فنی استقلال، بهره بردن از حداکثر ظرفیت بازیکنان خارجی در چارچوب قوانین لیگ ایران بود. طبق مقررات، تنها ۴ بازیکن غیرایرانی می‌توانند همزمان در میدان حضور یابند که یکی از آنها باید آسیایی باشد. استقلال با چیششی دقیق و حساب‌شده توانسته است ضمن رعایت این قانون، کیفیت و تنوع ترکیب خود را نیز ارتقا دهد. استفاده از بازیکنان بین‌المللی نه‌تنها سطح بازی تیم را بالا برده، بلکه تجربه آنان می‌تواند در رقابت‌های لیگ قهرمانان آسیا، گره‌گشا باشد.

ترکیب غیرقابل پیش‌بینی آنچه استقلال را در این فصل متفاوت کرده، ترکیب متوازنی است که میان خطوط تیم ایجاد شده است. خط دفاع با حضور بازیکنان باتجربه‌اش، تضمین‌کننده امنیت است. میانه میدان با چشمی و اندونگ، بسان یک موتور محرک عمل می‌کند. در خط حمله نیز زوج نازون به همراه وینگرهای سرعتی، تیمی هجومی و غیرقابل پیش‌بینی را پدید آورده. این چیدمان نه تنها استقلال را آماده‌لیگ داخلی کرده، بلکه در صحنه قمارهای نیز



موافقت مشروط فولاد با میزبانی بازی استقلال‌ها

پای داریی در میان است

میزبانی چند تیم به طور همزمان نیست. به گفته او، بیش از ۸ سال از عمر چمن کنونی گذشته و تعویض آن به دلیل هزینه بالا و کمبود فرصت هنوز انجام نشده است. از آنجا که مسابقات لیگ فشرده برگزار می‌شود، امکان استفاده چند تیم از یک زمین وجود ندارد و در شرایط فعلی، زمین صرفاً پاسخگوی بازی‌های فولاد است.

او همچنین یادآور شد شرایط زمستانی اهوژ چمن را شکننده‌تر می‌کند و فشار مضاعف می‌تواند آسیب جدی به زمین بزند. به همین دلیل، شرکت متبوعش فعلاً مخالف برگزاری دیدار استقلال خوزستان برابر استقلال تهران در فولاد آرنا است. افزون بر این، او تأکید کرده تاکنون هیچ مکاتبه رسمی از سوی استقلال خوزستان با شرکت برای استفاده از استادیوم انجام نشده است، موضوعی که خود نشانه‌ای از ناهماهنگی در مدیریت ۲ باشگاه به شمار می‌رود. در چنین فضایی، هواداران فوتبال خوزستان با ابهام مواجهند. آیا تیم محبوب‌شان می‌تواند پس از مدت‌ها در شهر خود به میدان برود یا باید همچنان به سفرهای پرهزینه و بازی‌های دور از خانه تن دهد؟ پاسخ این پرسش به تصمیمی بستگی دارد که در روزهای

سپر پولادین ملت

اصل پنجم: دشمن مشترک را فراموش نکنیم

یکی از آسیب‌های جدی سیاست ایران این است که در جدال‌های داخلی، گاهی جناح مقابل جای دشمن اصلی را می‌گیرد. به عنوان نمونه، در ماجرای مکاتیبسم‌ماشه، برخی اصولگرایان، تیم‌مذاکره‌کننده را به خیانت متهم و برخی اصلاح‌طلبان، جناح رقیب را عامل شکست برجام معرفی کردند. در این میان، آمریکا که برجام را پاره کرد و اروپا که تعهداتش را زیر پا گذاشت، به حاشیه رفت. این غفلت، دقیقاً همان چیزی است که دشمن می‌خواهد: فراموشی دشمن مشترک در هیاهوی اختلافات داخلی.

اصل ششم: نمادسازی برای وحدت سیاسی

همان‌طور که هفته وحدت به یک نماد تقویمی برای همگرایی مذهبی تبدیل شد، عرصه سیاست هم نیازمند نمادهای وحدت‌آفرین است. به عنوان مثال، می‌توان روز میلاد امام خمینی(ره) را دهه فجر را به فرصتی برای دیدار مشترک جناح‌های سیاسی بدل کرد. چنین نمادهایی یادآور این خواهد بود که همه جناح‌ها، فارغ از اختلافات، در اصول انقلاب اسلامی و منافع ملی شریکند.

در هر جناحی، افراد یا گروه‌هایی وجود دارند که از شکاف سیاسی سود می‌برند. این افراد با ادبیات تند، برجسب‌زنی و دامن‌زدن به اختلافات، عواقل آش‌پیار معر که را ایفا می‌کنند. همان‌گونه که در وحدت مذهبی، رفتارهای تفرقه‌افکنانه مخکوم می‌شد، در عرصه سیاست نیز باید صراحتاً چنین رفتارهایی تخطئه شود تا هزینه تفرقه بالا برود و رفتار مسؤولانه تقویت شود.

تهدیدهای ناشی از تفرقه سیاسی

بی‌تردید، شکاف و تفرقه سیاسی در ایران صرفاً یک اختلاف داخلی نیست، بلکه به سرعت به ابزار خا‌رجی بدل می‌شود. دشمنان خارجی که در جنگ سخت ناگام مانده‌اند، امروز حساب ویژه‌ای روی همین شکاف‌ها باز کرده‌اند. چند تهدید اصلی در این زمینه قابل توجه است.

۱- فرصت‌سوزی ملی

هنگامی که نخبان سیاسی به جای تمرکز بر توسعه ملی، درگیر نزاع‌های فرسایشی می‌شوند، سرمایه‌های کشور هدر می‌رود. پروژه‌های بزرگ به دلیل رقابت‌های جناحی متوقف می‌شود و جامعه احساس بی‌ثباتی می‌کند.

۲- تضعیف اعتماد عمومی

مردم زمانی که می‌بینند جناح‌های سیاسی یکدیگر را به خیانت و

تهدیدی جدی برای رقبا به حساب می‌آید.
■ **گروه آبی‌ها در آسیا؛ فرصت یا تهدید؟**
آبی‌پوشان پایتخت در گروه A لیگ قهرمانان آسیا قرار گرفته‌اند؛ جایی که باید با تیم‌هایی همچون الوصل امارات، المحرق بحرین و الوحدات اردن دیدار کنند.

نگاه کارشناسان به این گروه نشان می‌دهد استقلال مسیر دشواری برای عبور از مرحله نخست نخواهد داشت. با این حال، فوتبال همیشه غیرقابل پیش‌بینی است و تنها تیمی که در زمین تمرکز و انسجام بیشتری داشته باشد، می‌تواند موفق شود. هواداران استقلال امیدوارند تیم‌شان بتواند با اقتدار صعود کرده و پس از مدت‌ها دوباره در مراحل بالاتر رقابت‌های آسیا بدرخشد.

درس‌های فصل گذشته: انگیزه آینده

فصل گذشته، نمایندگان ایران، سپاهان و تراکتور، نتوانستند تا مراحل پایانی سطح ۲ لیگ نخبان آسیا پیش بروند. سپاهان در همان دور گروه‌ی کنار رفت و تراکتور در چهارم نهایی مغلوب شد. این ناکامی‌ها، انگیزه مضاعفی برای استقلال به همراه دارد تا بتواند اعتبار فوتبال ایران را در آسیا احیا کند. کادر فنی و بازیکنان آبی‌پوش به‌خوبی می‌دانند انتظارات هواداران فراتر از حضور صرف در مسابقات است. آنها جام و افتخار می‌خواهند.

استقلال تازه، رؤیای دوباره

استقلال امروز، دیگر تیم محتاط فصل قبل نیست. جذب چهره‌های شاخص، استفاده از تجربه بازیکنان اروپایی، آفریقایی و آسیایی، ترکیب جوانی و تنوعی و نگاه هجومی سایپونتو همگی عواملی است که می‌تواند این تیم را به مدعی جدی قهرمانی ایران و آسیا تبدیل کند. اگر مصدومان به‌موقع بازگردند و هماهنگی میان خطوط تیم کامل شود، هواداران استقلال این حق را دارند که در رؤیای کسب جام لیگ قهرمانان آسیا غرق شوند.



آینده اتخاذ خواهد شد.

از منظر فنی، برگزاری بازی در اهوژ به سود استقلال خوزستان است. حضور هواداران بومی و آشنایی بازیکنان با شرایط آب‌وهوایی جنوب می‌تواند عملی تأثیر گذار باشد. در مقابل، استقلال تهران که تحت هدایت ریکاردو سایپونتو فصل را آغاز کرده، امیدوار است در زمین بی‌طرف به میدان برود تا فشار روانی تماشاگران کمتر بر تیمش سنگینی کند.

با این حال، باید در نظر داشت منافع استان و جایگاه فوتبال خوزستان در سطح ملی ایجاب می‌کند انتهای‌های دخیل به توافق عملی برسند. ۲ باشگاه بزرگ استان به جای رقابت بر سر زمین باید با هم‌فرازی، شرایطی را فراهم کنند تا هواداران بتوانند بار دیگر شور و هیجان فوتبال را در اهوژ تجربه کنند.

سابقه اجتماعی و جمع، نه‌تنها چالهای فوتبالی که آزمونی برای مدیریت ورزش‌شی استان است. اگر تدابیر لازم به خرج داده شود، فولادآرنا می‌تواند بار دیگر میزبان دیداری مهم باشد اما اگر تصمیم‌ها به بن‌بست برسد، استقلال خوزستان مجبور خواهد بود در تهران از استقلال تهران پذیرایی کند؛ سناریویی که بی‌تردید برای فوتبال خوزستان خوشایند نیست.

به هر حال، شمارش معکوس برای بازی آغاز و همه نگاه‌ها به اهوژ دوخته شده. اینکه در نهایت سوت شروع بازی در کدام استادیوم به صدا درآید، پرسشی است که پاسخ آن می‌تواند تصویر تازه‌ای از آینده مدیریت ورزشگاه‌های کشور ارائه دهد.

فساد متهم می‌کنند، اعتمادشان نه‌تنها به جناح‌ها، بلکه به کل نظام سیاسی آسیب می‌بیند. این کاهش اعتماد، بزرگ‌ترین تهدید برای سرمایه اجتماعی و انسجام ملی است.

۲- قدرت‌گیری دشمن خارجی

اختلافات داخلی به رسانه‌های بیگانه و قدرت‌های خارجی امکان می‌دهد روایت‌های خود را تقویت کنند. هنگامی که سیاستمداران ایرانی یکدیگر را به فساد یا وابستگی متهم می‌کنند، دشمنان از همین سخنان به عنوان سند استفاده می‌کنند.

۴- فراموشی دشمن اصلی

همان‌گونه که اشاره شد، بزرگ‌ترین خطر تفرقه این است که جناح مقابل به جای آمریکا، رژیم صهیونیستی یا جریان‌های ضایرانی، در ذهن افکار عمومی به دشمن تبدیل شود. در چنین شرایطی، جبهه مقاومت در برابر فشار خارجی تضعیف می‌شود.

■ ضرورت عقلانیت و آینده‌نگری

امروز ایران بیش از هر زمان دیگری به وحدت سیاسی نیازمند است. این وحدت به معنای حذف اختلاف نظر یا پایان دادن به رقابت‌های سیاسی نیست، بلکه به معنای تبدیل رقابت به هم‌فرازی و جلوگیری از دشمنی‌های فرسایشی است. همان‌گونه که تجربه وحدت مذهبی نشان داد، می‌توان با محوریت اشتراکات و احترام به تنوع، الگویی پایدار برای همزیستی ساخت.

رهبر انقلاب در سخنرانی اخیرشان تصریح کردند: «این اتحاد مقدس، این اجتماع عظیم، این سپهر پولادین از دل‌های مردم و اراده‌های مردم نباید خشخشه‌دار شود». این جمله به روشنی نشان می‌دهد وحدت، سیری دفاعی است که اگر آسیب ببیند، کل کشور در برابر هجمه‌ها آسیب‌پذیر خواهد شد.

از این رو لازم است نخبان سیاسی در گفتار و رفتار خود پراوندیشی کنند و از ادبیات تفرقه‌افکنانه فاصله بگیرند.

رسانه‌ها به جای بازتولید شکاف‌ها، میدانی برای گفت‌وگو و همگرایی بسازند. مردم نیز با هوشیاری سیاسی، هر صدایی را که بوی دشمنی داخلی می‌دهد، با تردید بنگرند. وحدت سیاسی، یک انتخاب لوکس نیست، بلکه یک ضرورت تاریخی برای ایران امروز است. درست همان‌گونه که وحدت مذهبی توانست در برابر توطئه‌های دشمنان اسلام سدی مستحکم بنا کند، وحدت سیاسی نیز می‌تواند در برابر جنگ‌های ترکیبی و فشارهای چندلایه دشمن، ایندوامی مطمئن‌تر برای کشور رقم بزند.